



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۲۷

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

یکشنبه ۱۲ مرداد ماه ۱۳۰۹ - ۸ ربیع الاول ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه : ۱۰ تومان
داخه : ۱۲ تومان
خارجه : ۱۲ تومان
تک شماره : یکقران

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه دوازدهم مرداد ماه ۱۳۰۹ (هشتم ربیع الاول ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- | | |
|---|--|
| ۱ - تصویب صورت مجلس | ۶ - اجراء تمدید کتبرات دو فر معلمین فرانسوی |
| ۲ - تصویب يك فقره مرخصی | ۷ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای رئیس الوزراء |
| ۳ - شور اول لایحه اساسنامه دیوان داوری بین المللی | ۸ - بقیه شور اول لایحه بانک فلاحتی از ماده ۸ |
| ۴ - شور دوم لایحه سرویس پست هوایی و تصویب آن | ۹ - نطق آقای رئیس - افتراخ برای شرفیابی حضور همبوی |
| ۵ - شور ثانی و تصویب لایحه وراثت - متخدمین نظمی | ۱۰ - موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس سه شنبه ۷ مرداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

تومان از مقرری مرخصی مزبور را بد تعهد مقررده خیمه اختصاص داده اند کمیسیون موافق و خبر آنرا تقدیم میدارند.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عرضم همان عرایض سابقه است (اسدی - بلندتر) عرایض بنده در اینجا امروز همان عرایضی است که سابق کرده ام میل دارم آقایان در اینجا بمانند و خدمت کنند بخصوص آقای افسر که هرچه در اینجا بمانند خوب خدمت میکنند وجود ایشان در مجلس لازم تر است آنجا هر چه کار کنند مثل اینجا نمیتوانند کار کنند میل دارم اینجا تشریف داشته باشند

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (خیر)

صورت مجلس تصویب شد

[۲ - تصویب يك فقره مرخصی]

رئیس - خبری از کمیسیون عرایض و مرخصی

رسیده است قرائت میشود

خبر مرخصی آقای افسر

آقای افسر نماینده محترم برای رفع خستگی تقاضای سه ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند و مبلغ یکصد

عین مذاکرات مشروح یکصدوسی و هفتمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

و نهد تومان را هم همینجا بگیرند و تشریف ببرند حالا که میخواهند تشریف ببرند صد تومان اولاً کم تخصیص داده اند و بعد هم عرض کردم مقبره خیام اهمیت ندارد يك مریضخانه که حفظ جان مردم را بکند اهمیت دارد

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - آقای فیروز آبادی يك نظری دارند که همیشه در مرخصی ها مخالفت میکنند خودشان هم تصدیق کردند که آقای افسر همیشه در مجلس حضور دارند انجام وظیفه میکنند و هیچ ساعتی هم از موقعی که باید حضور داشته باشند و ادای وظیفه بکنند غفلت نکرده اند مسافرتشان هم بر حسب کسالتی است که برای ایشان پیدا شده است و اظهار تجویز کرده اند و تغییر آب و هوا برای ایشان لزوم پیدا کرده است...

آقا سید یعقوب - برای همه مان اینطور است

ملک مدنی - و بعلاوه آن محی که ایشان تشریف میبرند این نظری که آقا در حضرت عبدالعظیم داربدآن نظر را ایشان هم در محل خودشان اجرا میکنند این قسمتی را هم که برای مقبره خیام اختصاص داده اند ایشان رئیس انجمن ادبی هستند و وظیفه دار بودند در کمیسیون هم هیچ گفتگو نشده بود که در این مورد مساعدتی بفرمایند خودشان از هر کس بیشتر ذمه دار هستند و البته پیش از این اقدام کرده اند و خواهند کرد بله و تصور میکنم مریضخانه حضرت عبدالعظیم هم انشاء الله با جدیت و تعقیبی که حضرتعالی در کار دارید سر و صورت پیدا کند

رئیس - موافقین با مرخصی آقای افسر قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

۳ - شور اول لایحه اساسنامه دیوان داوری بین المللی

رئیس - خبر کمیسیون امور خارجه راجع با اساسنامه دیوان داوری بین المللی قرائت میشود

خبر کمیسیون

کمیسیون امور خارجه لایحه نمره ۲۸۴۷-۵۲۵ دولت را راجع به اساسنامه دیوان داوری بین المللی و پرتکل تجدید نظر در آنرا تحت مطالعه در آورده و ماده

واحد ذیل را برای تصویب تقدیم مینمایند

ماده واحده - مجلس شورای ملی اساسنامه دیوان دائمی داوری بین المللی مورخه ۲۴ قوس ۱۲۹۹ (۱۶ دسامبر ۱۹۲۰) را که مشتمل بر ۶۴ ماده و همچنین پرتکل تجدید نظر در مواد آنرا که در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۰۸ (۱۴ سپتامبر ۱۹۲۹) در رتو باامضاء رسیده است بعلاوه پرتکل الحاق دول متحده امریکای شمالی به پرتکل امضاء اساسنامه دیوان داوری بین المللی که عبارت از ۸ ماده میباشد و در تاریخ ۲۳ شهریور ماه ۱۳۰۸ (۱۴ سپتامبر ۱۹۲۹) در رتو امضاء شده تصویب و بدولت اجازه میدهد اسناد مصدق آنها را بدار الانشاء جامعه ملل تسلیم نماید

رئیس - ماده واحده مطرح است نظری نیست ؟ (اظهاری نشد) آقایانی که با شور دوم ماده واحده موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

۴ - شور دوم لایحه سرویس پست هوائی

رئیس - خبر کمیسیون پست و تلگراف راجع به هوا پیمائی بونکرس مطرح است قرائت میشود

خبر کمیسیون

کمیسیون پست و تلگراف لایحه نمره ۶۱۳ دولت راجع به پست هوائی را برای شور ثانی مطرح نموده و چون هیچگونه پیشنهادی نرسیده بود عین خبر شور اول را تأیید و برای تصویب تقدیم مجلس مقدس شورای ملی مینماید.

رئیس - بنا بر این عین خبر شور اول قرائت میشود

خبر کمیسیون

کمیسیون پست و تلگراف با حضور آقای وزیر پست و تلگراف لایحه نمره ۶۱۳ دولت را مطرح در نتیجه ماده واحده ذیل را تصویب و اینک خبر آنرا تقدیم مینمایند

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت پست و تلگراف اجازه میدهد از تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۹ تا زمان تغییر تعرفه پست هوائی قانون سوم اردیبهشت ۱۳۰۸ ادامه داده شده و از روز اجرای تعرفه جدید

تمام میشود نمیدانم بچه دلیل و چرا این قدر زیاد گرفته میشود. یکی از عرایض دیگر بنده این است که مقصود از پست هوائی این است که بسرعت و زود بمقصد برسند بنده می بینم که این نکته اولی را رعایت نمیکنند حالا از کی است و کجا است اصل مطلب را بنده عرض میکنم خود آقایین ملتفت میشوند در مثل این اوقات خطوط پست هوائی را بایستی قبل از ظهر بستخانه بدهند قبل از ظهر بستخانه داده میشود آنوقت فردا صبح دیگر پست هوئی حرکت میکند (افسر - صحیح است) بنده عرض میکنم تحقیق بکنید هیچ جری دنیا يك همچو ترتیبی نیست در بوشهر. خصوصاً که تحویل کشتی میدهند در آنجا يك صندوق هست اگر کسی يك خط و اجبی داشته باشد بتوسط استیم لنچ (قایقچه موتوری) میفرستند و او میفرستد بکشتی و در آن صندوق می اندازد و صاحبش میسراند ملاحظه بفرمائید از بیست و نه ظهر تا فردا صبح که چهار بظهر مانده است پست هوائی بخواند حرکت کند زودتر از مدت مسافتی است که پست هوائی باید میر کند (موقر - صحیح است) بنده ملزم بوزارت پست و تلگراف تذکر داده ام آقایین خلاف مقصود است این بکنی آن منظور اصلی را که شد دارید از بین میبرد اخیراً به بنده وعده دادند که يك جمعیه ایجاد کنند که همان صندوق پستی باشد که در آنجا ریخته شود لیکن متأسفانه این وعده مدتها است به بنده داده میشود و هیچ ترتیبی بر آن داده نشده است (افسر - صحیح است) بنده خواستم تذکر داده باشم که شما نگذارید این مقصود اصلی از بین برود

رئیس - ماده واحده مطرح است شور دوم آقای

کازرونی

کازرونی - بنده البته کاملاً موافقم که نظر باینکه مؤسسه هوا پیمائی دارای يك ترتیب نیست و چون امروز این هم یکی از اموری شده است که کاملاً مورد احتیاج مردم است چه از حیث تجارت و چه از حیث مسافرت بنده عقیده دارم دولت بایستی در کلیه امور مراقبت کامله داشته باشد که مبادا از طرف آن مؤسسه يك افراتو تفریطی بشود مثلاً راجع به آن کرایه که از مسافرین میگیرند بنده می بینم روز بروز دارند زیاد میکنند بنده بوقت با حضور نماینده آنها در وزارت پست و تلگراف اظهار کرده که شما در وطن خودتان بیشترین از هر مسافری برای این مسافت معینی که ما داریم می بینیم چه مبلغ میگیرید دو مسافر از آنچه در وطن خودتان میگیرید در خاک ما که وطن شما نیست و امتیاز انحصار را بشما داده ایم میگیرید لیکن مبلغ فوق العاده زیادی است باین مؤسسه هوا پیمائی که محل احتیاج مردم است باید کاملاً مراقبت کنند و نگذارند زیاد بگیرد بواسطه اینکه يك همچو مؤسسه هوا پیمائی که همیشه محل احتیاج مردم است دولت بایستی کاملاً مراقبت کند و نگذارند اجحاف شود و زیاد از مردم بگیرد و در هر حال این مطلب مطلب تجارتنی است و اگر لایحه را يك قدری بیشتر بکنند بضرر خودشان تمام میشود و اگر يك قدری کمتر بکنند به نفع خودشان

افسر - هدر میرود هشت ساعت طول میکشد

مخبر - عرض کنم آقای کازرونی (افسر - آقای مخبر باید تصدیق کنید) مخالفتی نکردند که با اصل لایحه باشد فقط نظریاتی فرمودند که این نظریات صحیح است و وزارت پست و تلگراف برای این کار نظامنامه نوشته که تمام این نظریات را رعایت کرده.

رئیس - آقای فیروز آبادی

۲

فیروز آبادی - بنده هم عرضی نداشتم خواستم عرض کنم که قیمت شخص مسافر را تعیین نکرده اند خوبست یکمقدار معینی تعیین شود که فراخور حال ما باشد و زیاد تر نباشد که بهر شکلی او بخواند همین کند نظر بنده همین بود و نظر دیگری ندارم
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافیست

رئیس - آقای آقا سید یعقوب فرمایشی داشتند؟
آقا سید یعقوب - بی عرضی داشتم این یک موضوعی است که باید خود آقای مخبر یا آقای وزیر که تشرف دارند در این لایحه معین کنند تعیین حد مسافر هر سال تغییر میکنند چرا که برای اینکه دولت هر سال نظر ندارد حالا بطور مثل عرض میماند اخوی زاده بنده در ارسال سی تومان میداد میرفت شیراز امسال سی و پنج تومان سال دیگر چهار تومان است چرا برای خطر اینکه دولت نظر نمیکند و ما دست دیگران را که در مملکت می آیند باز میکنند که هر جور در شئونت مملکت مداخله کنند همینقدر که کمتر افس از تصویب گذشت دیگر تحت تقمیش تمام دولت نیست و هر جور خواست برای خودش قرار میدهد بچرا ما باید در لواجیحی که مجلس می آید بدولت تذکر بدهیم که دولت متصل باید مراقب باشد که اینها در اینموقعی که ما یک اقتداری داریم دیگران که می آیند در این مملکت مؤسساتی تأسیس میکنند باید عقید بقرار دادهای خودشان باشند عقید بنظامهای خودشان باشند بجهت مناسبت یکسال ۲۵ تومان است یکسال سی تومان یکسال سی و پنج تومان همین جور مثل نان بالا و پایین میرود آخر یک میزان و ترقیبی دارد صورت را باید بوزارتخانه بدهد که اینجهت ترقی میکند هفتاد تومان برای چه دولت باید نظر بکند

یک میزانی باید داشته باشد این را بنده عرض میکنم برای اساس است و لایحه با مؤسسه هوا پیمانی کاملاً موافقم زیرا که همیشه نظر بنده این است که تحت نظارت و مقرراتی باشد که در تحت نظر دولت و مقررات دولت باشد

مخبر - عرض میکنم که چون نظر حضرتعالی تذکر بود تذکرات خیلی خوبست و برای اینکه اطمینان داشته باشیم که این نظریات رعایت میشود در نظامنامه خودش به وزارت پست و تلگراف قرار میگذارد هر کس محمولاتی دارد بدهد اگر ایش را هم بی او حساب کنند بعد به وزارت پست و تلگراف حساب کنند این مثل یک اداره عمل و تقمیش است در میرود آن اداره میدهد اتمو بیلد غیره گزیده میکنند میرود و اینکه بوسیله هوا پیمانی میرود و برای خطر اینکه بدانید که چرا مسافر کم و زیاد میشود این را البته مذاکرات شده با اداره هوا پیمانی یک استدلالاتی میکنند راجع اینکه اغلب هوا پیمانی است مصرف بترین ما اغلب زیاد میشود و هم یک خرج دیگری بهش تعاقب گرفته است ولی برای اینکه مطمئن باشید عرض میکنم که یک ترقیبی دارند میدهند که یک تفاوت فاحشی داده نشود در آن اوضاعه آن نظر مراعات میشود و نظر حضرتعالی تأمین میشود

رئیس - مذاکره کافی است
(گفته شد - بلی)

رئیس - رأی میگیریم با ورقه موافقین ورقه سفید خواهند داد
(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده هفتاد و شش ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضرین هشتاد و چهار به اکثریت ۷۶ رأی تصویب شد

- بنی اساسی رأی دهندگان : آقایان محمد ولی میرزا - شریعت زاده - کدئی - ظفری - شریفی - ملک مدنی - آقا زاده سروازی - حکمت - اسفندیاری - ذوالقدر - دکتر اقبان - اسدی - قهیمی - امیر تیمور - لاریجانی - سعیدی - خواجوی - معینی - درباری - روحی - اقبال - جلانی - محمد آخوند - دهستانی - یاسائی - امین پور عسین - افسر - طاهری - هزار جریبی - مسیح فاطمی - سهرانجن - طباطبائی وکیلی - بنکدار - کازرونی - ضیاء - فولادوند - محمد علی میرزا دولتشاهی - طالش خان - حسینی میرزا دولتشاهی - انجمنی - حبیبی - مولوی - وهاب زاده - دکتر سنک - یلیزی - طباطبائی دیبا - ابلجن - اسعد - بزرگ نیا - آقایان - عدلی - میرزا عبدالعزیز خان دیبا - آقا سید یعقوب - حاج سید محمود - ملک آرائی - احتشام زاده - رحیم زاده - موقر - عیس میرزا فرمانفرمایان - صادقی - رهبری - حاج غلامحسین ملک - نجومی - ایزدی - قاضی نوری - جدیری - شهداد - نوبخت - آکای نوری - اعتبار - فرهنگ - دکتر عظیم - آقا سید مرتضی وثوق - حاج علی اکبر امین - دکتر مهدیخان ملک زاده - امیر دولتشاهی - مؤید احمدی

[۵ - شور ثانی و تصویب لایحه وظیفه وراثت مستخدمین نظمیه]

رئیس - راپرت کمیسیوی داخله برای مستخدمین نظمیه که در نتیجه ایفاء وظیفه تلف شده اند قرائت میشود :

خبر بین الشورین کمیسیون

کمیسیون داخله برای مطالعه لایحه نمره ۳۰۷۴ دولت راجع به مستخدمین امتوفای نظمیه تشکیل و لایحه مزبور را برای شور دوم مورد مطالعه قرار داده و فقط یک فقره پیشنهاد از طرف آقای کیانوری رسیده بود پیشنهاد مزبور مورد توجه واقع نشده و عین خبر شور اول را تأیید و برای تصویب تقدیم مجلس مقدس شورای ملی می نماید .

رئیس - ماده واحده قرائت میشود :

ماده واحده - از تاریخ اجرای قانون استخدام کلیه مستخدمین نظمیه اعم از صاحب منصب و مأمورین برترتبه و ردیف افراد (خواه مشمول قانون استخدام کشوری باشند خواه نباشند) که در نتیجه ایفاء وظیفه تلف شده اند یا خواهند شد دولت بلاکسر آخرین مقرری خدمت آنها بدون رعایت سن و مدت خدمت در باره ورثه قانونی آنها که در ماده سه قانون وظائف مورخه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۶ تصریح شده وبعلاوه درباره برادر و خواهری که در کفالت آنها بوده اند بعنوان وظیفه بطور تساوی برقرار و از زمان فوت با آنها پرداخته خواهد شد .

رئیس - شور دوم ماده واحده مطرح است . آقای ملک

ملک مدنی - موافقم .

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده در قسمت قانون استخدام که مینویسد معلوم نشده است که کدام قانون استخدام است یک قانون

استخدام برای نظمیه ما گذراندیم یکی هم قانون استخدام کشوری است منظور دولت کدام قانون استخدام است اگر قانون استخدام کشوری باشد توضیح بدهند بنده اشکالی ندارم

مخبر کمیسیون (وثوق) - فرمایش آقای اعتبار هر چند توضیح واضح است ولی پیشنهاد بفرمائید مقصود قانون استخدام کشوری است بنده از طرف کمیسیون قبول میکنم ولی چیزیکه لازم است در این لایحه توضیح داده شود و لازم بود تذکر داده شود آن ابرادی بود که آقای آقا سید یعقوب فرمودند و چون بعضی آقایان نمایندگان هم در خرج همین ایراد را داشتند بنده لازم دیدم این توضیح را عرض کنم که رفع ایراد بشود فرموده بودند در جلسه قبل که محل پرداخت حقوق این اشخاص که متقاعد میشوند کجا است محل پرداخت همان صندوق تقاعد است ولی برای اینکه اینها حقوق تقاعد برداشته اند اداره نظمیه این کار را پیش بینی کرده از ۱۳۰۷ بعد اداره نظمیه از کسانیکه فوق اشل بوده اند حقوق تقاعد گرفته است و اشخاصی هم که مستخدم ادارات نظمیه بوده اند غیر فرم آنها هم که داده اند ولو اینکه تحت اشل حقوق می گرفته اند ولی افراد ردیف را از ۳۰۷ حقوق تقاعد ازشان گرفته اند و این چند نفر همانطور که آقای وزیر داخله توضیح دادند چند نفر بیشتر نیستند اینها را قرار گذاشتند از هزار و سیصد و دو بعد حقوق تقاعد اینمعدت را اگر نداده اند از آن بعد بطور استهلاك بپردازند و مدت گذشته را از آنها بگیرند بین جهت رفع ایراد حضرتعالی میشود و آن قسمت را هم پیشنهاد بدهید .

رئیس - آقای کیا

کیا - بنده میخواستم عرض کنم که مستخدمین نظمیه ... (بلندتر) خوب خدمت کرده اند و اینها برای آسایش و امنیت ما خیلی زحمت کشیده اند و زحمتشان نسبت بسایر مستخدمین خیل زیادتر است برای اینکه در یک روز های گرمی که همه ما در یک

جاهای سردی هستیم آنها در يك نقطه هائی در آفتاب خدمت میکنند و در شب های سرد که مادريك گوشه هائی پناه ببریم آنها همه زحمت میکشند و در نتیجه خدمت البته خیلی از اینها مریض میشوند و بواسطه همان مرض هم تلف میشوند لایحه اول دولت خیلی زننده بود چون خیلی از آنها را حقوقشان را تضییع میکرد يك اشخاصیکه در نتیجه خدمت مریض میشدند و تلف میشدند آنها را شامل نمیشد و خیلی باید تشکر کرد که قدر دانی کرده اند و کمیسیون لفظ مقبول را به تلف تبدیل کرده اند و لفظ تلف هم همینطوریکه در نظر داشتند شامل اشخاصیکه در ایفاء وظیفه تلف میشوند میشود اما چون در تجربه ما دیدیم وزارت مالیه خیلی اشکال و سختگیری میکند و اشکال تراشی در تعبیر قانون میکند باین جهت بنده پیشنهاد کردم که لفظ تلف توضیح داده شود و همان معنائی که کمیسیون و دولت در نظر داشته است که تلف اعم از این باشد که مقبول شده باشد یا تلف شده باشد شامل هر دو است این توضیح داده شود که هیچوقت در مالیه تولید اشکال نشود چنانچه آقایان هم ملاحظه کردند قانون استخدام هم این را دارد فوت در نتیجه مرض را و این توضیح این جا مضر نیست بلکه ممکن است در یک مواقعی نافع باشد حقیقه این مؤسسه که این خدمت بزرگ را متحمل شده که امنیت را برای ما ایجاد میکند و خاصه با این ترتیب اتوموبیل رانی زحمتی که اینها میکشند بنده تصور کردم اگر این پیشنهادی را که دارم در برانتر توضیح داده شود این توضیح ضرر ندارد و ممانع از يك اشکال تراشی ها و سوء تفاهم مامورین مالیه خواهد شد زیرا این را آقایان مکرر مذاکره کرده اند که قانون از طرف دولت با يك حسن نیتی میاید و از طرف آقایان نمایندگان هم با يك حسن نیتی تلقی میشود اما در دست مامورین جزء با يك سختی و ملاحظات اجرا میشود آنجاست که این الفاظ خیلی دقیق شده و برای آنها فلسفه تراشیده و حتی الامکان بنفع دولت تمام کنند و بضرر مردم : لذا بنده خواستم

استدعا کنم که در تعقیب این امر يك توضیحی که هیچ ضرر ندارد و برای آتیه و اشکال تراشی ها میبندد نافع است .

مخبر - خدمات و وظائف مستخدمین نظمیه بدیهی است که نسبت بسایر مستخدمین بیشتر است و خدمات آنها هم بلا شك قابل تقدیس است و بهمان جهت هم هست که این لایحه را برای افراد آنها آورده اند که از حقوق تقاعد بهره مند شوند و این پیشنهادی که آقای کبا فرمودند در کمیسیون مطرح شد و من گمان میکنم همانطور که خودشان توضیح دادند لفظ تلف شامل همان مقصودی که آقای فرمایند میشود معذک برای اینکه خیالشان از این حیث هم راحت شود قانون استخدام افراد نظمیه از طرف دولت بمجلس پیشنهاد شده و هنوز شور و لش در کمیسیون تمام نشده وقتی که مطرح شد قرار شد که همین پیشنهاد آقایان در آنجا عمل کنند و منظور کنند و برای اینکه تکلیف این آقایان که معوق مانده است زود تر تمام شود خوبست موافقت فرمائید که این کار بهمین ترتیب بگذرد

رئیس - پیشنهادی از آقای اعتبار رسیده است : پیشنهاد میکنم بعد از جمله قانون استخدام که کشوری اضافه شود اعتبار

اعتبار - بنده توضیح زیادی ندادم جز همان که عرض کردم و تصور میکنم برای رفع اشکال و سوء تفاهم هائی که در مالیه میشود این توضیح لازم باشد .

مخبر - بنده قبول میکنم .
رئیس - رأی میگیریم بماده واحده با افزایش پیشنهاد آقای اعتبار که آقای مخبر اجابت کردند موافقین قیام فرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد

[۶ .. اجازه تمدید کثرت دو نفر معلمین فرانسوی]
رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع به تمدید کثرت دو نفر معلمین فرانسوی مدرسه حقوق مطرح است . قرائت میشود :

خبر کمیسیون بودجه

لایحه شماره ۲۳۳۷-۲۳-۷۰ دولت راجع بتمدید کثرت دو نفر معلم فرانسوی مدرسه حقوق را با حضور آقای معاون وزارت معارف مطرح و مورد شور قرار داده اینک مواد پیشنهادی را که عیناً کمیسیون موافقت نموده است برای تصویب تقدیم مجلس مقدس شورای ملی مینماید

رئیس - خبر کمیسیون معارف قرائت میشود .

خبر کمیسیون معارف :

کمیسیون معارف در جلسه ۲ مرداد با لایحه نمره ۲۳۳۷ وزارت موافقت نمود اینک موافقت کمیسیون را بعرض مجلس مقدس شورای ملی میرساند .

رئیس - خبر کمیسیون خارجه در این خصوص قرائت می شود :

خبر کمیسیون امور خارجه

لایحه نمره ۲۳۳۷-۲۳-۷۰ دولت راجع به تمدید کثرت دو نفر معلم فرانسوی مدرسه حقوق را در جلسه ۳۱ تیر ۱۳۰۹ کمیسیون امور خارجه مطالعه شده و چون با ملیت آنها مخالفتی نبود عین لایحه را تصدیق و تصویب نمود

رئیس - عین مواد قرائت میشود :

ماده اول - وزارت معارف مجاز است استخدام دو نفر معلم فرانسوی مدرسه حقوق را که بموجب قانون ۱۶ شهریور ۱۳۰۶ بتصویب رسیده از آخر خرداد ۱۳۰۹ برای مدت سه سال تمدید نماید

ماده ۲ - حقوق هر يك از معلمین مزبور در سال ۵۴۰۰ تومان است

ماده ۳ - وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدام معلمین مزبور را مطابق قانون استخدام اتباع خارجه مصوب ۲۳ عفر ۱۳۰۱ تعیین و قرار داد آنها را امضاء نماید .

رئیس - مذاکره در کلیات است آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - بنده اساساً موافق هستم لکن يك موضوعی را (چون آقای معاون هم تشریف دارند)

خواستیم بعرض برسانم در دوره ششم که این قانون از مجلس گذشت يك پیشنهادی آقای ضیاء الملك کردند اینجا و آن پیشنهاد هم طرف توجه مجلس شد و بعد بنا شد وزارت معارف مأمور اجرای این باشد آن پیشنهاد این بود که این معلمینی که می آیند و درس میگویند بزین فرانسه است این درس اینها باید ترجمه شود بفارسی وقتی که بفارسی ترجمه شد منتشر میشود وقتی که منتشر شد مثلاً اشخاصی که ما داریم و دانایان بزبان فرانسه هستند و عمی بزبان هستند کاملاً مستحضر می شوند از مرتبه دانائی و بینائی آنها اما اینها اینی که میبند اینجا همین درس را بفراسه میدهند بشاگردان و ترجمه نمی شود و آن منافی است که ما باید از آنها ببریم نمیدریم اینجا مفضل صحبت شد از جمله فوائدش این بود که اگر این درس منتشر شود در تمام ایران منتشر میشود و خیلی در این زمینه صحبت شد مجلس هم قبول کرد در اینجا هم چند جنبه صحبت شد يك نفر از نماینده ها بود يك نفر از اعضاء دولت بود که در مقام جواب بودند نظریه نیست لکن این عملی نشد بنده خواستم تذکر بدهم که مجلس شورای ملی کاملاً موافق است با زحمات و خدمات دولت ما ب دولت اشتراک مساعی داریم هر قانونی که نمیشود بآن عمل کرد یعنی که در مقام عمل گرفتار مشکلاتی میشود و موافقی دارد ممکن است دولت لایحه بیورد با اصلاح آن قانون را بخواهد یا لغو قانون را بخواهد چرا ؟ برای اینکه قانون را که قانون آسمانی نیست که نشود تغییرش داد و الی الابد باید باقی باشد قانونی است برای پیشرفت کار اگر میدانید که این عملی نیست یا اینکه منافعی ندارد و نگاه کردید دیدید لازم است قانونی از مجلس بگذرد بیاورید خوب مجلس برای چیست ؟ برای اصلاح قانون است برای تفسیر برای نقض برای تغییر قانون است . اگر عملی نیست بگوئید عملی نیست پیشنهاد بدهید مجلس اصلاحش میکند . مجلس برای این است همه جور هم دولت اتکاء و پشتیبانیش بمجلس است مجلس هم مخالفی ندارد خواستم برای حفظ آن

قانون این را گفته بشم و الا بنده با این لایحه مخالفی ندارم و کاملاً موافقم و این معلمین هم از قراری که من تحقیق کرده ام در کارهای خودشان ساعی و جدی بوده اند همین مسئله عمل شدن باین قانون بود که میخواستم عرض کنم

رئیس - آقای فیروز آبادی :

فیروز آبادی - مخالفم

رئیس - آقای عدل

یکتفراز نمایندگان - نیستند

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای طاهری

طاهری - بنده موافقم آقای آقا سید یعقوب هم اساساً مخالفت نکردند بلکه اظهار کمال موافقت را کردند منتهی نظرشان این بود در قانونی که گذشته اگر آن قانون قبلاً برای آنها تکلیفی معین کرده و عملی نیست بیاورند و اصلاح کنند بنده که در نظر ندارم همچو تکلیفی باشد در عین اینکه عملاً آن موادی را که آنها درس میدهند آن جزوه ها نوشته میشود یعنی خود شاگردان آنها را مینویسند این الان هست و معمول است و منتشر میشود و در اصل خود موضوع هم آقای آقا سید یعقوب موافق بودند و اگر هم تکلیفی آنها داشتند و عمل نکرده اند و عملی نبوده است بعد قانون را میآورند و اصلاح میکنند و این لایحه را همه اعضاء کمیسیون موافق بودند آقای آقا سید یعقوب هم موافق هستند.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجائی که نظرم هست که هر کس استخدام میشود جهت این مملکت اگر خوب خدمت کرده در اینجا خدماتش باید شرح داده شود و اظهار تشکر شود از او و اگر بد خدمت کرده در اینجا اظهار دلتنگی بشود از او. من میل داشتم اولاً آقای معاون وزارت معارف شرح بدهند خدماتی را که اینها وظیفه شان بوده است آیا کاملاً انجام وظیفه کرده اند یا خیر؟ و اگر داده اند ما همه مطلع

باشیم و اظهار رضایت بکنیم و مثل بعضی از مستخدمین اروپائی نباشند که بیابند این جا و ابتدا انجام وظیفه نکنند بلکه اغلب اخلاق ما را فاسد می کنند و میروند و هیچ نام نیکی از خودشان باقی نمی گذارند این یکی. دیگر اینکه حقوق اینها در سال گذشته گویا ماهی سیصد تومان بود نظرم نیست حالا يك مرتبه آمده اند سالی پنج هزار تومان اینقدر زیاد کرده اند بچه ملاحظه است ممکن است بفهمائید که بچه ملاحظه بوده است حالا شاید آقا بفرمائید که خوب آنها قبول نکرده اند بنده هم عرض میکنم که اینها اگر قبول نکردند در دوره اول چرا قبول کردند و از مملکت شان آمدند خوب حالا هم که قبول نکردند يك چند نفر دیگر را بیاورید که قبول کنند. مقصود این است که این يك وضع بدی است هر کس می آید این جا در اول با يك حقوق کمتری می آید بعد می گویند من زیاد تر می خواهم دولت هم قبول می کند. خیر دولت مجبور نیست قبول نمی کنند نکنند در فرنگ اشخاص بیکار زیاد هستند (کازرونی - علتش ترقی اسعار است) خیر اسعار ما چندان ترقی نکرده است (آوردنک - بفرمائید آقا بعد جواب عرض میشود) این دوتا سوم اینکه الان دوسه ماه از موعد این کنتراک ها می گذرد خواستم تذکر بدهم خوبست هر وقتی دولت می خواهد کنتراک کند قبل از موعد لایحه اش را بیاورد و کنتراک کند نه اینکه سه ماه که گذشته بعد کنتراک کنند حالا مجلس آمد و رأی نداد فرض محال که محال نیست آنوقت سه ماه گذشته چه میشود؟ اسباب زحمت خواهد شد پس بهتر این است که دولت هر وقت يك کسی را می خواهد کنتراک کند قبل از انقضاء موعد کنتراک کنند تا آنکه بعضی محظورات پیش نیاید. چهارم اینکه اینها الان در این جا هستند و تازه نیامده اند و بنا بر این خرج ایاب و ذهاب ندارند و این حق را بموجب قانون پیش گرفته اند دیگر بعدها بجهت آمدن و رفتن حقوق نباید جهت آنها منظور شود این بود عرایض بنده خواستم توضیحی بدهند

معاون وزارت معارف (آقای فرخ) - برای

استحضار خاطر محترم آقا عرض میکنم که معلمین اروپائی که ما داریم در وزارت معارف کاملاً مراقبت میکنیم که ایفاء وظایف خودشان را بکنند و میکنند و اگر بر فرض محال يك همچو معامی پیدا شد که نکرد وزارت معارف در قدم اول کسی است که فوراً او را از خدمت خارج خواهد کرد و این دو نفر معلم که مسیو فون تد و مسیو پلانپول هستند یکی از بهترین معامینی هستند که در خدمت وزارت معارف هستند و وزارت معارف نهایت رضایت را از طرز تدریس از معلومات از جدیت شان در کار و از خدماتی که انجام داده اند کاملاً دارد حتی در کارهایی هم که مادر خارج داشتیم غیر از معامی از نقطه نظر علمی و مشاوره مثلاً در امتحانات و غیره کاملاً بما خدمت کرده اند. اما راجع بحقوق آنها و ضایفه که فرمودند آقا که در اروپا بیکار زیاد است بی زبده است ولی در اروپا دکتور دکتور در يك علمی - دکتور کرد که امتحان اگر کاسیون را داده باشد بیکار نیست و عده شان هم زیاد نیست بنده خاطر مبارك آقا را اطمینان میدهم که یکتفراز دکتور در اروپا بیکار نیست و با این حقوقی هم که ما میدهیم بدرجات زیاد تر برای آنها کار پیدا میشود اما اینکه فرمودند چرا یکی دو ماه غفلت شده است عرض کنم خدمت آقا که آنها با این مبلغی که ما استفاده کردیم حاضر نمی شدند حق اینکند ما مایوس شدیم از استفاده این دو نفر زیرا از نقطه نظر تغییر پول و مشاغل دیگر نمی خواستند کنتراک شوند ما مراجعہ کردیم که معامین دیگری را استخدام کنیم معامین دیگر با این درجه معلومات علمی خیلی برای ما گرانتر تمام می شد شاید در سه برابر این اضافه که دادیم گرانتر تمام میشد باین دلیل مذاکرات ما با آنها بطول انجامید تا بالاخره موفق شدیم آنها را راضی کردیم از این جهت يك قدری طول کشید اما راجع بخرج راه که فرمودند و در لایحه تقدیمی ما هم ملاحظه فرموده اند ذکری از خرج راه و خرج سفر نشده است و خرج راه داده نمیشود فقط همان مبلغی است که در متن کنتراک ذکر شده است تا روز ختم کنتراک

و کنتراک را هم که تجدید کنیم حق اخذ حق مراجعت را ندارند یعنی حق خرج راه برای مراجعت ندارند عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است آقا

رئیس - رأی میگیریم بوزود در شور مواد آقابین موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.

(بشرح سبق قرائت شد)

رئیس - آقای طاهری

طاهری - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده يك عرض مختصری دارم. يك سؤالی دارم. پول ما نسبت تغییر بکنند و بهبودی بشود این جا حالا بنظر نوعی نوشته اند وقتی که تغییر کنند آیا فکر این را کرده اند که بیت محظوری فردا بر نخورد - تومان همین تومان است و تغییر هم بکنند به همین میزان تومان بهبودی میشود دیگر فردا گفته شود پول ما بهبودی شده و آنوقت تومان بود حالا باید زیادتر بدهیم

آقاسید یعقوب - ده حالا بدشان نیاید دیگر

فیروز آبادی - مقصود تذکر است باید گفته شود و بدآوری شود که فردا پول بشکند نکند. عرض دیگر این است که فرمودند آنها قبول نمی کنند بنده عرض میکنم که چند روز شد در مجلس پیش قبول کردند و بانه از این آمدند حالا نمیباشند. شما می خواستید این ترتیب را این جا موقوف کنید که هر کس نباید مثل کارکنان آمدن پول و هفت هزار تومان حقوق آمد بعد یکمرتبه ۲۹ هزار تومان شد چون دید ما با فشاری میکنیم و او را قبول می کنیم از هم فشار آورد و هفت هزار تومان را آورد و کرد ۲۹ هزار تومان که بقیمت بنده هفت هزار تومان و بیست و نه هزار تومان ضایع میشود عرض میکنم اینها قبول نمی کردند دیگران که قبول میکردند میخواستید بیاورید و بطور اول قبول کردند

یاسائی مخبر کمیسیون بودجه - اما راجع بمسکوك

مملکت که فرمودید واحد پول مملکت تغییر میکند هر معامله که با سایر معاملات مردم میشود در این مملکت با این یکی هم همان جور معامله میکنند و میزانی که دولت و مجلس در آتیه معین میکنند نسبت بهمه با این یکی هم رفتار میشود نسبت به این جزئی هم در تحت همان قاعده کلی عمل میشود. راجع باضافه شدن حقوق این معلمین بطوریکه نماینده دولت هم توضیح دادند یکی بواسطه تفاوت نرخ اسعار حاصل شده است يك قسمت دیگر هم این است که زندگی در طهران گران شده است زندگی در طهران مثل بعضی پای تخت های مهمه دنیا شده است شاید خیالی می کنید که زندگی سهل و ساده در طهران میشود کرد ولی وقتی که می آیند این جا میبینند خیر. حقا هم باید تصدیق کرد بجهت اینکه بنده میبینم بعد از دو سه تا پای تخت طهران از حیث گرانی زندگی در درجه اول است بنا بر این نمیشود اعتراض کرد بعلاوه وزارت معارف هم بآنها نمی خواهد چیز زیادی بدهد اگر آنها قبول می کردند میل که نداشت زیاد تر بدهد لابد آنها قبول نکرده اند و وزارت معارف هم دیده است اگر بخواهد استخدام جدیدی بکند زیاد تر از این تمام میشود و يك خرج سفری هم باید داده شود و تقریباً به بیشتر از این مبلغ تمام میشود یا لا اقل معادل همین مبلغ می شود این بوده است که قبول کرده.

رئیس - رأی میگیریم بماده اول موافقین قیام نمایند. (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم: (بشرح گذشته قرائت شد)

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای ونوق

ونوق - موافقم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - مخالفی نیست.

رئیس - رأی میگیریم بماده سوم آقایان موافقین قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. شور در کلیات ثانی است مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

رئیس - آقای ونوق

رئیس - رای میگیریم بورقه آقایان موافقین ورقه سفید خواهند داد.

[اخذ و استخراج آراء بعمل آمده و نتیجه بقرار دیل حاصل شد]

(ورقه سفید علامت قبول ۶۹ ورقه کبود ۱)

رئیس - عده حاضرین ۸۷ با کثرت ۶۹ رای تصویب شد *

رئیس - آقای رئیس الوزراء فرمایشی داشتید؟

۸ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای رئیس الوزراء

رئیس الوزراء (آقای حاجی مهدیقلی خان هدایت) -

دو فقره لایحه است که تقدیم میشود یکی راجع است بیک اصلاحاتی در امر میزبانی. یکی هم يك فقره خرج سفر است برای یکی از اجزائی که مستحق است. خیلی عذر میخواهم ببخشید عرض کردم که خرج سفر خیر خرج سفر نیست خرج تحصیل است برای بچه های يك متوفائی که استحقاق دارند

فیروز آبادی - قانون خرج تحصیل که گذشته عدل - قرائت شود

۹ - بقیه شور اول لایحه بانك فلاحتی از ماده ۸

رئیس - ماده هشتم قانون بانك فلاحتی قرائت میشود ماده ۸ - نسبت بقرضهائی که مدت آنها بیش از سه سال باشد علاوه بر منافع سالانه ممکن است مبلغی بعنوان اقساط استهلاك منظور شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك موضوعی در این لایحه است بنده همیشه توجه ام اینست که وزیر محترم خارجه توجه کنند و دولت توجه کند بنده در این لایحه آنچه که بخودم

اسامی موافقین - آقایان: شریعت زاده - قاضی نوری - امین پور محسن - دکتر لقمان - حاج سید محمود - احتشام زاده - نوبخت - مؤید احمدی - آقا مهتدی ونوق - آقا زاده سبزواری - آقایان - انجمنی - کازرونی - اورنگ - مفتی - منک آرائی - دیوان بیکی - اسدی - ضیاء - لاریجانی - مسعودی - محمد علی میرزا دولتشاهی - امیر دولتشاهی - تکدار - اسعد - شهسود - اقبال - ایزدی - مواوی - کبای نوری - جیدری - عراقی - یالیزی - حبیبی - یاسینی - ایلخند - ارگانی - دکتر سنک - طالب خان - موقر - رحیم زاده - صادقی - افسر - همراز - طباطبائی دیبا - مجد طباطبائی - درباری - دکتر عظیمیا - دهستانی - امیر تیمور - مصباح فاطمی - ساکنیان - رهبری - شریفی - عدل - ملک مدنی - کفائی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - طاهری - وهاب زاده - طباطبائی وکیل - فرزند - خواجوی - زوار - ملک زاده - ذوالقدر - حاج غلامحسین ملک - فهیمی - بزرک بنا مخالف: آقای فیروز آبادی

يك مدتی برش بگذرد و بفايده كه رسيد و مفيد واقع شد آنوقت استهلاك و اينطور نميد در واقع اين نظر محفوظ بماند اما نه از اول كه يك نفر رفت و سر يك بزكي سر يك رنگي و بگويد من همچو فلاحه ايجاد می كنم همچو تنها كوی می كارم همچو پيله ابريشم عمل می آورم چون را بنو بدهيم خير من كلاه بر داری را عقیده ندارم بايد برسی توسعه فلاحه داد مدت استهلاك هم بعد از سه سال در نظر گرفته شود زیرا کسی كه بخواهد چیزی را عمل بیاورد فلاحه را ترویج كند سه سال برایش كم است و این از عهده تحمل آوردن آن چیزی كه منظور نظر بوده بر نمی آید مقصود بنده این بود.

كفيل وزارت اقتصاد ملی (آقای فروغی) - گفتم میكنم این ماده كه ملا موافق منظور آقای آقا سيد يعقوب تنظيم شده است بجهت اينكه اين جا ما ملاحظه كرديم قرضهائی كه مدت زياد دارد غالب اين است كه مبلغش هم بالنسبه بيش است و زياد است. حالا كه مبلغش هم است اگر بگذاريم بعد از ده سال مثلاً بدهد يك مرتبه بخوانند اين مبلغ را از قرض كنده مسترد بدارند شايد استرداد سرمايه براي آن قرض كنده يك مرتبه ممكن نباشد و دچار مضيقه و اشكال ميشود. اين بود كه اينجا اجازه داده شد به بانك كه با قرض كنده يك قراری بگذارد كه اگر ميل دارد به بانك حاضر است و ظرف را مستحق می داند يك قرار استهلاكی بدهد نه در آخر موعده اگر موعده سر رسيد يك مبلغ گزافي بر عهده قرض كنده نماند كه براي او سنگين باشد لذا اين جا گفته شد قرضهائی كه مدت آنها بيش از سه سال باشد علاوه بر منافع سالانه مبلغی بعنوان استهلاك بطور اقساط منظور خواهد شد حالا اين بسته است بتراضي بين قرض كنده و بانك قرض كنده استطاعت خودش را می بيند بانك هم ملاحظه خودش را مي كند و قرار ميگذارد شايد از سال اول قرار بگذارند و استهلاك كند شايد از سال پنجم و اين همه شقوقش ممكن است و از برای ارقاق بقرض كنده است

رئيس - آقاى كيا .
كيا نوری - موافقم
رئيس - آقاى فيروز آبادى

فيروز آبادى - بنده با استهلاك خيلى موافقم و عقیده ام اين است كه يك نظريه خويى است اين استهلاك امريكائى سئوانى داشته و آن اين است كه خوب نيست كه اجرت اين را كه از اصل ميدهد مثلاً سال چهارم يا پنجم يك مقداری از اصل ميدهد بابت استهلاك و مقداری هم بابت اجرت ديگر اجرت آن مبلغيكه از اصل داده ميشود محسوب نشود چون اين معنی ندارد مبلغی كه بابت اصل سرمايه ميدهد اجرت او را هم محسوب كنند اين را می خواستم توضيح بدهند كه آن مبلغی كه از اصل ميدهند آن منفعت نبايد داشته باشد و آن سهم استهلاكی منفعت تعلق نميگيرد

كفيل وزارت اقتصاد ملی - اين يك ترتيب مسامهي است در ترتيب استقراض و قرض مساميه است كه هر سرمايه كه رد شد ديگر نفع ندارد و ربح برش تعلق نميگيرد عده از نمايندگان - صحيح است كافي است

رئيس - بيشنهاد آقای فيمى قرائت ميشود:
پيشنهاد ميكنم در آخر ماده ششم اضافه شود:
ولي مسديونين در هر موقع ميتوانند دين خود را قبل از اقبضاء مدت جزء و كلاً بپردازند در اين صورت آنچه از اصل نه قبلاً تاديه ميشود برای مدت باقى مانده از تاديه مدفع معينند در قرار داد معاف خواهد بود

رئيس - ماده نهم قرائت ميشود:
ماده ۹ - مدت قرض از ده سال نبايد تجاوز كند ولي رئيس بانك ميتواند با اجازه شورای ادارى مدت بيشترى معين نمايد و اين فقط در صورتى است كه برای حصول مقصودى كه از استقراض برطبق ماده ۴ در نظر گرفته شده بيش از ده سال مدت لازم باشد

رئيس - آقاى آقا سيد يعقوب

آقا سيد يعقوب - خواستم توجه بدهم آقاى وزير را كه توضيح داده شود - نوشته است كه مدت قرض از

ده سال نبايد تجاوز كند اگر مثلاً تا هشت سال قرض طول كنييد و آمد و تجديد كرد بعد از تجديد آن هشت سال جزء همان ده سال است يا اينكه از سر گرفته ميشود مثلاً يك قرض ده ساله كرده است و آمده است سر هشت سال تجديد كرده است و مال المصالحه اين مدت را داده است حالا اين جا چه صورت دارد می شود از سر گرفت با اين كه ميگويند دو سال ديگر بيشتر نيتواند چون از اول قرض تا آخر دو سال ديگر كه بيشتر باقى نمانده است پس ترتيبش چه جور است دو سال ديگر بيشتر مدت برایش باقى نمانده است يا اين كه دو سال كه تمام شد از سر گرفته ميشود.

كفيل وزارت اقتصاد ملی - اين كه معين است مثل ترتيب معمول هر وقت تجديد بكنند كه مدت قبل از جزء مدت بعد حساب نميكنند در تجديد هم مدت همان ده سال است.

رئيس - آقاى فيروز آبادى منظورتان همین بود:

فيروز آبادى - ديگر عرضي ندارم.

رئيس - ماده دهم قرائت ميشود:

ماده ۱۰ - در تمام قرار داد هائی كه بانك بر طبق اين قانون منعقد مينمايد بايد مسائل ذيل تصريح شود.

۱ - منظور از استقراض كه بايد با مقررات ماده ۴ تطبيق نمايد.

۲ - مبلغ و مدت قرض

۳ - مبلغی كه از استقراض كنده بايد هر سال بابت منافع و قسط استهلاك بپردازد

تبصره - سواد مصدق ورقه مالكيه بضميمه يك نسخه از قرار داد بايد در بانك ضبط شود.

رئيس - کسی اجازه نخواسته است بيشنهاد آقای فيمى قرائت ميشود.

اعتبار - اجازه ميفرمائيد؟

رئيس - بفرمائيد.

اعتبار (مخبر كميون اقتصاد ملی) - اين جا در قسمت سوم كه از استقراض كنده آن (از) زيادى است و بايد

اصلاح شود بفرمائيد حذف شود
رئيس - حذف ميشود بيشنهاد آقای فيمى قرائت ميشود؟

پيشنهاد آقای فيمى

بنده بيشنهاد ميكنم تبصره ذيل بعنوان تبصره ۲ در آخر ماده ۱۰ اضافه شود

تبصره ۲ اجاره و استيجار املاك مرهونى نزد بانك بايد با اطلاع بانك بوده و سواد اجاره نامچه بايد در بانك ضبط شود.

رئيس - ماده ۱۱ قرائت ميشود:

ماده ۱۱ تعهدات استقراض كنده بشرح ذيل بايد در قرار داد تصريح شود:

الف - قبول اين كه هر گاه در موعده معين

مبلغی كه بايد بعنوان منافع سالانه يا قسط استهلاك تاديه نمايد بپردازد بانك حق دارد به مديون اخطار نمايد

كه اگر در ظرف يك ماه منافع يا قسط مقرر پرداخته نشد دين مؤجل او حل شده و كليه وجه استقراضی و منافع فوراً قبل استرداد ميشود و در اين صورت چنانچه در ظرف ششماه از تاريخ وصول اخطار نامه سفارشی بانك مديون كليه دين خود را پرداخت بانك از طرف مالك

وكالت دارد ملك يا قسمتی از آنرا كه موضوع وثيقه است بطور مزايده بفروش رسانيده مطابق مقررات قانونی طلب خود را استيفاء نمايد.

ب - قبول اين كه هر گاه در اقبضاء موعده سرمايه استقراضی يا قسمتی از آن يا هر نوع بدهی خود را كه ناشی از استقراض است تاديه نكند چنانچه در ظرف يك

ماه از تاريخ دريافت اخطار نامه سفارشی بانك دين خود را اداء نمايد بانك وكالت دارد معادل طلب خود از ملك وثيقه بطور مزايده بفروش برساند

ج - قبول اين كه تمام مخارج ناشی از تاخير در پرداخت دين و يا از فروش املاك بعهده استقراض كنده خواهد بود بابت مخارج مذكوره و يا بابت اصل

سرمایه و یا هر دینی که در نتیجه استقراض بعهده استقراض کننده باشد بانك در استیفای طلب خود بر سایر طلبکارانیکه وثیقه مخصوصی ندارند (باستثنای دولت نسبت به دریافت عوارض و مالیاتها) حق تقدم خواهد داشت.

د - قبول این که هرگاه قیمت ملك موضوع وثیقه در طی مدت استقراض ۳۰ در ۱۰۰ تنزل نماید بانك حق خواهد داشت وثیقه دیگری از سایر املاك استقراض کننده تقاضا کند و هرگاه استقراض کننده مالک املاك دیگری نباشد بانك حق خواهد داشت هر نوع وثیقه دیگری بخواهد و در صورت امتناع استقراض کننده و یا عدم دسترسی بوثیقه دیگر بانك میتواند مبلغی از وجه استقراضی را که در مقابل آن وثیقه موجود نیست مطالبه نماید و بیش از سه ماه برای پرداخت مهلت ندهد تقویم خبره های بانك سندیت داشته و غیر قابل اعتراض است ه - قبول این که هرگاه وجه استقراضی برای کاری که منظور از استقراض اعلام شده مصرف نشده باشد قرار داد استقراضی طبعاً ملغی میشود و بانك بوسیله مراسله سفارشی تأدیه کل مبلغ بدهی را از مدیون مطالبه نموده و در صورتیکه مشار الیه در ظرف ششماه دین خود را اداء ننماید بانك بفروش ملکی که بعنوان وثیقه در دست دادر اقدام خواهد نمود در مورد این فقره ربح از ابتدای استقراض تا روز وصول طلب بانك از قرار صدی دوازده محسوب خواهد شد.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - ایراد بنده در قسمت (د) این ماده است زیرا قید میکنند که هرگاه قیمت ملك وثیقه از صدی سی تنزل نماید بانك میتواند وثیقه دیگری بخواهد. در ماده پیش ذکر شده است که تا صدی پنجاه قیمت ملك حق دارند قرض بدهند مثلاً يك ملكی ده هزار تومان قیمت دارد طرف تا میزان پنجاه هزار تومان ممکن است قرض کند و این ملك ممکن است که دو هزار تومان تنزل کند اگر صدی سی تنزل کند باز هفت هزار تومان

دولت از يك کسی طلبی دارد باعتبار مالیات و عوارض و يك طلبی دارد باعتبار بانك البته بعنوان مالیات مقدم است چرا برای این که راجع به مسئله حاکمیت دولت است آنرا در این ردیف نمی آورند که ما بخواهیم استثنا کنیم این استثنا مفرغ است باصطلاح خودمان و هیچ داخل نیست زیرا که حق حاکمیت دولت مقدم است. موضوع دیگری هم يك موضوعی است که آقای فهیمی هم اظهار کردند ولي با يك بیان دیگری وقتی دولت وثیقه را قبول میکند و رقبه ثبت اسناد و ورقه مالکیت را مطابق قانون جدید اگر نظر بکنیم ملزم است آن کسی که می رود تقاضای ثبت میکند (یعنی بر حسب نظامنامه قانون الزام دارد) قیمت ملك را معین کند و مبلغ منافع را هم معین کند و باین ترتیب ورقه مالکیت صادر میشود و ورقه مالکیت که صادر شد این امر ثابت است که در دفتر دولت است بعد اگر این ملك تنزل کرد باید دید چه دلیل تنزل کرده است مثلاً خانه را برده است به ثبت اسناد رسانده است خانه دو هزار تومان قیمت دارد این را آمد وثیقه از برای قرض قرار داد بعد خانه هزار و پانصد تومان تنزل قیمت پیدا کرد ما بیا بگوئیم که اینجاست متوجه این میشود باین معنی که دولت یعنی بانك مابقی دیگر این طرف تنزل را از روی ملك دیگریش باید بباید وثیقه قرار بدهد این را بنده نمیتوانم قبول کنم چرا چون يك معامله بانك در اینجا با دولت کرده است مثل دیگران مثل فلان تاجر با فلان شخص و آمده است و این وثیقه را قبول کرده است و وقتی که این وثیقه را قبول کرده است ما بیا بگوئیم حق حاکمیت دو مرتبه برای دولت در اینجا قائل شویم نه اینجا هم مثل فلان تاجر است که فلان جنس پیش او رهن گذاشته شده است بعد که تنزل پیدا کرد اینجا هم همانطور باشد. موضوع دیگر هم که اینجا نوشته است تقویم خبره های بانك سندیت داشته و غیر قابل اعتراض است بنده عقیده ام این است که در صورتیکه اختلاف واقع شود ما مطلقاً نباید بگوئیم که خیر بانك هر چه تقویم

کند سندیت دارد باید يك اختیاری هم برای قرض گیرنده قائل شویم که مقوم قرض گیرنده و مقوم بانك اگر توافق کردند فبها و اگر توافق نکردند موافق ماده ۱۲ رجوع بحکمیت میشود و قضیه حل شود نه اینکه تمام اختیارات را ما ببانك بدهیم ما بانك مساوی هستیم چرا تمام حقوق قضوت باید در دست او باشد برای چه آقای وزیر امور خارجه شما که کاملاً از قضات الحمد لله مستحضرید و میدانید که ما نباید اینجا قضوت را بیک طرف بدهیم خیر آقا حق قضوت است باید حق او هم باشد و در موقع اختلاف برود بحکمیت و الا بانك ما مثل آن سرباز سابق میشود که تومانی بکفران پول قرض میداد و میگفت اگر نمیخواهی برو چشمت کور شود، ما بخواهیم يك فرجه برای مرده باشد پس در اینجا هم عقیده بنده این است که يك حقی برای قرض گیرنده قائل شویم و یکی هم نظر بنده در موضوع این است که نوشته است: در مورد این فقره ربح از ابتدای استقراض تا روز وصول طلب بانك از قرار صدی دوازده محسوب خواهد شد. گمان میکنم این نظر را ما خود کردید از آن قانونی که از کمیسیون عدلیه گذشت راجع به خسرات که بعد از تقاضای خسارت هر چه عقب افتاد صدی دوازده بگیرند خوب است همین حق الجماله را که صدی چهار معین کردید معین کنید این صدی دوازده برای چه. آقای وزیر امور خارجه نظر بنده همین است که عرض کرده نظر بنده راجع بیک ارفاق و يك کمک هائی است بمرده و نظر شما را کاملاً میدانم که ارفاق است این است که باید بانك این ارفاق را در اینجا ملاحظه کند این بود نظر من

کمیل وزارت اقتصاد ملی - اما در خصوص این ماده فرمودند

که ثبت کرده است در ثبت اسناد بیک قیمتی دیگر بانك چرا باید آن ملك را تقویم بکنند این را بنده توجه میدهم حاضران را که مطلب از این مهمتر و مطابق قیمتی که در ثبت اسناد تقویم میشود واقعاً بانك میتواند قبول کند زیرا که قیمتی که برای ثبت اسناد برای ملکی معین میکنند این قیمت برای بانك سندیت ندارد

قیمت دارد و باز بیش از حد قرضه است پس بجای این که ما حساب را از روی قیمت ملك از قرار صدی سی تنزل میدهیم بگوئیم قیمت ملك از صدی پنجاه مبلغ استقراض تنزل کند و در آن صورت هم به محضی که ملك تنزل کرده لازم نیست که بانك در اول وهله وثیقه دیگری بگیرد ممکن است از طرف تقاضا کند که بقیه قرضتان را بدهید مثلاً در این مثل که عرض کردم هزارو پانصد تومان تفاوت پیدا میکند ممکن است بانك تقاضا کند که شما بقیه قیمت ملك را بپردازید و باقیمانده ملك او وثیقه کافی خواهد بود برای بقیه طلب بانك و در صورتیکه حاضر نشد از برای پرداخت قرض و ملك هم از صدی پنجاه مبلغ یعنی دو برابر مبلغ استقراض کمتر شد آنوقت ممکن است وثیقه دیگری بخواهد پس این است که بنده پیشنهادی هم در این زمینه عرض کرده ام که بجای این عبارت نوشته شود در صورتیکه قیمت بکند از صدی پنجاه مبلغ استقراض کمتر باشد بانك میتواند تفاوت را از استقراض کننده تقاضا کند و اگر نداد آنوقت حق دارد با آن شرایطی که نوشته شده است عمل کند.

مخبر - این پیشنهاد آقای فهیمی در کمیسیون بیاید و در آنجا دقت میکنیم و نظر میکنیم و چنانچه موافقت شد باین ترتیب اصلاح میکنیم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این ماده يك ماده اساسی است و من توجه میدهم اعضاء محترم مجلس را به این ماده که خوب اصل موضوع که محل توجه خود دولت است همینطور خود قرض کننده نسبت باین ماده حالا در این ماده بعضی چیزها دارد که بنده تذکر میدهم که آقای مخبر توجه بکنند و در کمیسیون اصلاح کنند مثلاً نوشته است دولت نسبت به دریافت عوارض و مالیات ها. مسلماً این همینطور است و هر کجا که تعارض شد بین حق دولت و غیر او حق حاکمیت دولت مقدم است این دیگر لازم نیست و نمیخواهد این جا تذکر داده شود و تصریح شود مثلاً

و فقط ثبت اسناد سنداست برای اینکه این ملک این شخص است و بیش از این نسبت بخود ملك و قیمت آن سندیت ندارد بنا بر این وقتی که بانك میخواهد يك ملكی را وثیقه بر دارد باید خودش قیمت کند و این مسئله که خیلی مسئله روشنی است که املاك شاید بیش از هر چیزی قیمتش در معرض تغییر و تبدیل است ممکن است ترقی بکند ممکن است تنزل بکند بنا بر این ما باید رعایت و احتیاط کنیم از برای بانك که در مواقعی که قیمت ملك تنزل کرد وثیقه بانك از دستش نرود اما اینکه میفرمائید راجع بارتفاق نسبت مردم البته صحیح است اما در اول مطالعه در این قانون بنده بخاطر محترم آقایان را توجه دادم که باید متذکر باشید که اگر مردم را باید رعایت کرد بانك را هم باید رعایت کرد شاید رعایت بانك واجب تر باشد از رعایت مردم بجهت اینکه مردم افرادند و بيك فرد اگر ضرر بخورد اینقدر اهمیت ندارد که به يك بانکی که در واقع متعلق بيك ملكتی است صدمه وارد شود بنا بر این هر احتیاطی که بکنیم از برای اینکه سرمایه بانك از بین نرود و ضرر نکند و سبب نشود که این بانك از بین برود بجا خواهد بود مسئله دوم که فرمودند (راجع به چه بود ؟) . . . (آقا سید یعقوب - تقویم) در باب تقویم این جا فرمودند که بانك مثل کس دیگری است و نباید بضیبت خاطر معامله کند و باید نظرش معامله ارفقی باشد بنده عرض کردم که معاملات بانك را با معامله تجارتي باید فرق بگذارید و باید این را در نظر بگیرید که بانك را نباید بيك تاجر متعارفی که از برای شخص خودش معامله میکند و منافع شخصی خودش و مضار شخصی خودش را در نظر دارد نگاه کنیم بنده اگر يك آدمی باشم معامله کن و پول قرض میدهم مالك ملك خودم هستم و مسلط بر دارائی خودم هستم اگر در يك جائی بخواهم با يك کسی ارفاق کنم و برادری داشته باشم خوب خیلی خوب است خیلی هم مستحسن است اما این مسئله در بانك نباید منظور شود بانك نباید این را رعایت کند

که خوب حالا يك معامله میکنم با این آدم که اگر ضرر شد و سرمایه از بین رفت عیبی ندارد شخص در باره خودش میتواند این حرف را بزند بنده يك آدم سرمایه داری هستم و خیلی متمولم و دو کروور هم سرمایه دارم شخصی را می بینم محتاج به پول است راست است که تاجر هستم و معامله میخواهم بکنم خوب میگویم این هزار تومان هم اگر سوخت شد بشود خدا بدهد برکت آخر خدا برکت خواهد داد ولی معامله بانك اینطور نیست معامله بانك باید طوری باشد که حق الامکان سوخته و از بین رفته درش نباشد بنا بر این فلسفه است که باید خبره بانك حرفش سندیت داشته باشد و معارضی نداشته باشد و وقتی که خبره بانك تقویم کرد باید طرف اگر حاضر است قبول کند و معامله کند و الا نمیشود اما در خصوص صدی دوازده که فرمودید فلسفه اش خیلی روشن است و آن این است که ما بانك را تاسیس میکنیم و تصدیق فرمودید که بهمین دلیل که باید تاسیس کنیم که ترقی بدهیم فلاحت را و بهمین دلیل است که معین کردیم پولی را که قرض میدهم باید برای آن مقاصد معین باشد و بهمین دلیل است که يك ربخی یعنی يك حق الجماله و حق العملی معین کردیم خیلی کم که صدی چهار و صدی شش باشد و الا در این مملکت کسی نیست که به صدی چهار و صدی شش و صدی هشت پول قرض بدهد آن کسی مستحق این ارفاق و ملاحظه است که قرضی که میکند بمصرف آن مقاصدی که ما در نظر داریم بزند اگر آمدیم يك کسی آمد و پول قرض کرد و بجای این که ملك را ترقی بدهد و فلان زراعت را مثلاً ابریشم را متعهد شده بود ترقی بدهد ابریشم را ترقی نداد و مثلاً اتومبیل خرید و سوار شد چه علت دارد که این جا يك ارفاقی به او بکنیم در اینجا البته باید این صدی چهار را تبدیل کنیم به صدی دوازده برای این که باو بگوئیم آقا تو که میخواستی پول قرض کنی و اتومبیل بخری سوار بشوی اگر میرفتی از سایر جا ها قرض میگرفتی چه قدر ربح میدادی ما هم همان قدر با تو حساب میکنیم و این در واقع يك جرمی است

از برای آن کسیکه تعال کند و تخف کند از آن مقصود اساسی این بانك رئیس - آقای هزار جریبی - عرض کنم فرمایشات آقای وزیر را که چه بنده تماشای را نشنیده بنده را قانع نکرد در این ماده عرض از این مسئله بانك فلاحتی اگر این باشد که روز اول فرمودند که مقصود کمک به فلاحتین و ملاکین نیست و خودشان باید فکری برای زراعت خودشان بکنند این اهمیت ندارد و این مواد لازم نیست اما این مواد چیزی است که معلوم میشود باید به فلاحت و ملاک طرف شد اگر با اینها بخوانند طرف شده نمیتواند با این مواد عمل کنند در ماده ۱۱ بنده چندین فقره همچو بنظره میرسد و می بینم که این مواد بودی نوشته شده است که يك ملاک بچیزه که میخواهد از جری دیگر هم پولی قرض کند این مواد بقدری برای او اشکال تراشی کرده است که جری دیگر هم در قرض نخواهد داد و اصلاً فلاحت را فاجع کرد است که نظر دولت این نیست که کمکی به فلاحتین بشود و این مواد در این جا نوشته شده است بعد از ماده چهارم در این ماده است و بنده فقط يك چیز نوشته شوی که متعلق به قرض دادن به خود دولت است و متعلق به دولت است و متعلق به این است که اینچنین منظور نوشته اند که اینچنین بنده بانك - قبول اینکه هر ماده در مورد پول بانك است بنده بعنوان رفیع مسائل که با قسط استهلاک تدریجاً باید بپردازد بانك حق ندارد به مابون منظور آید که اگر در حرف يك ماده مدافع یا قسط مقرره را داخله شد در مؤجبات حل نمود باید وجه استقرارش در مدافع فوراً قیام استرداد میشود ولی آخر ماده این جا پولی را که قرض می کنند مطابق آنچه که نوشته شده است که باید فلان زراعت را بکند مثلاً قرار داده بود که درخت پسته بکارند ملاکها را امروز از روی محصول معمولاً تو می دهی ده تومان قیمت می کنند بانك ملکي ششصد تومان شایبای دارد شش هزار تومان قیمت میکنند يك ملکي که مثلاً دو هزار تومان حاصل دارد بیست هزار توابعن آمدیم این مالک تعهد کرد که

در ملك خودش پسته بکارد یا قنات حفر کنند آمدند این ملك را قیمت کردند که دو هزارا تومان محصول دارد بیست هزار تومان مدت قرض را هم که در ماده ۹ مینویسد ده سال بیست و زوقتی که نهال بشود یعنی نزدیکه غرس بکنند تا روزی که بر بدهد یا زود سال طول برد که وقتی که بر داد بعد از سی سال پسته میدهد چنان قنات حفری از ملاکین هستند که قنات حفر میکنند قنات حفر کردن ممکن است هفت سال یا هشت سال طول بکشد و آن پول تمامه خرج میشود و آنگاه بعد از تمام شدن قنات یکسال زراعت نماید آنوقت بیست و یکویند که آن پولی که گرفته اند بدهی و آن دین مؤجبات تو حاصل شده آنوقت هر چه بخواهد این ملك را قیمت کنند بپردازد و هر چه برای بانك باید قیمت دانند بیست بیست هزار تومان برای امکان است پنج هزار تومان قیمت دانند که يك انجمنی نیست فقط احتیاجات را میدهد به دولت اگر چه بنده به يك جهت رضی هستم که این قوانین تحت بحث خواهد شد که دیگر آنس پول قرض بانك در این ماده است فلاحتی چه چه من آنچه کسی ازش پول قرض نکند و بهر چه این قانون برای فلاحتین و ملاکین نیست من را قانع بنده اما چیزی که بانك قنات حفر است این است که این مواد را وقتی دولت بخواهد بپردازد سبب و علت دست دیگران میشود که طلب آن پول در هر یک از این عمل معینه را بپردازد نمیتواند می کنند و آنوقت برای فلاحتین و ملاکین سبب رحمت میشود و بنده هیچوقت از روی يك عرضی حرف نمی زنم و این چیزهایی که عرض میکنم مسائلی است که شخصاً مستحضرند و اطلاعاتی است که بنده شخصاً از زراعت دارم و میدانم این است مهمترین زراعت شما همان پسته و کدو و برنج و ابریشم و این چیزها است قنات هر قناتی است که حاج میرزا آقاسی این قنات را در ایران احداث کرده است و دیگر حالا قناتی که احداث میشود اگر يك ملکي يك قناتی داشت و شولات شد باید آب را زیاد کنند و الا يك کسی

نیست که قنات تازه دائر کند البته آن زراعتی که امروز بخواهیم در مازندران و گیلان راه بیندازیم و يك نفر بخواهد از شعبه بانك فلاحی از روی این قاعده راه بیندازد و تا سال دیگر يك بهره کلی ببرد و زیاد تر از صدی چهار البته میتواند بهره ببرد اگر صد هزار تومان خرج بکند يك کروز تومان منفعت خواهد کرد برای این که صد جریب اگر پنبه بکارد سه هزار تومان خرج میکند از آن طرف ده هزار تومان میرد هم چنین نیشکر و هم چنین ابریشم در ظرف یکسال همه وقت میتواند آن پولی که داده است ببرد ولی آن چیزی را که بنده در نظر دارم این است که طوری بشود که مالك حمایت شود و طوری بکنند که زراعت در ایران فلاح نشود و الا باین ترتیب که این قانون نوشته شده است زراعت فلاح میشود و فایده این قانون این است و بنده باین جهت مخالفم مثلاً ماده چهار را ملاحظه کنید کاشکی آقای وزیر راضی بشوند يك اصلاحاتی بشود اما اگر خود دولت میخواهد هر کار را بکند بنده مخالف نیستم ولی دیگر این مواد لازم نیست مثلاً در صدی سی يك ملكی را قیمت میکنند که اگر صدی سی تنزل کرد و کسر شد از قیمت آن دو مرتبه او از جای دیگر بدهد خوب چطور معین میکند؟ ممکن است امسال قیمت ملك تنزل کند. امسال ملك من پنج هزار تومان عمل دارد این را پنجاه هزار تومان قیمت میکنند و بانك قبول میکند. سال دیگر عمل ندارد. این يك شاهی نیارزد؟ آنوقت چه میکنید؟ میآئید میگوئید شما باید تمام پنجاه هزار تومان را بدهید. یکسال این ملك ده هزار تومان عمل دارد و صد هزار تومان قیمت و یکسال ممکن است عمل نداشته باشد. آنوقت مقصود ازین میرود. این مواد فوق العاده بد است. و هر موادی را که من می بینم من که يك نفر رعیت و فلاح هستم می بینم این موادی نهایت درجه سخت است مگر اینکه خود دولت بخواهد عمل کند انهم محتاج باین مواد نیست.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - عرض میکنم جواب فرمایشات نماینده محترم مکرر داده شده است و گمان میکنم آقایان هم بدانند. فقط تذکر میدهم که نه مجلس شورای ملی و نه آقایان نمایندگان و نه ایشان مجبور نیستند که این قانون را رای بدهند. اگر مصلحت دیدند رای بدهند و اگر ندیدند رای ندهند. خیلی کارها مخصوصاً همان قسمتی که میفرمایند من رعیت هستم بهمین نظر چون فلاح هستند نمیتوانند نظر خودشان را از منافع فلاح منصرف کنند به منافع بانك چون شما فلاح هستید بکطرفی هستید در صورتیکه باید همه طرف را ملاحظه کرد مجلس شورای ملی که من حیث المجموع مرکب است از تمام طبقات مردم قضاوت خواهند کرد که آیا در اینجا باید فقط رعایت فلاح را کرد یا هر دو طرف را باید رعایت نمود بنده از روز اول اینجا عرض کردم تصریح کردم که این برای دستگیری بصلاح نیست برای دستگیری از فلاح راههای دیگری هم هست که باید آنها را عملی کرد این از برای این است که مطابق این موادی که در اینجا نوشته شده اگر مجلس شورای ملی موافق است و مصلحت میدانند باین ترتیب بان اشخاصی که میخواهند این کار را بکنند با این شرایط قرض داده شود یا نه؟ در عین حال محکم کاری هم بشود که پول و سرمایه بانك از بین نرود اما اینکه میفرمائید این اسباب میشود که دیگر هیچ فلاحی نمیتواند قرض کند اینرا بنده نمیتوانم قبول کنم کدام آدم است که در این مملکت میتواند با صدی چهار و صدی شش استقراض کند؟! و کیست که وقتی مالی را وثیقه گرفت کمتر از نصف گرفت؟ البته بیش از نصف قیمت نمیدهد. بنده شرایط فوق العاده در اینجا نمی بینم. وقتی که پولش را ندادند نمی رود پولش را مطالبه کند؟ آیا می خواهید که بانك دائماً مشغول این باشد که می محصل بفرستد و می کاغذ بنویسد می بدلیه برود تا اینکه بالاخره سرمایه اش در این بین ها از میان برود و نقله شود این سوء تفاهم برای این است که يك طرف قضیه ملاحظه میشود و زیاد بر این چیزی

عرض میکنم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منبع ریاست معظم دامت عظمته

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ قسمت دال بعد از کلمه اعتراض

است اضافه شود (مشروط بر اینکه تقویم خبره های بانك کتر از میزان عایدی آن ملك ده در صد نباشد)

پیشنهاد آقای افسر

پیشنهاد میکند در فقره ۳ ماده ۱۱ در این عبارت

(بر سایر طلبکاران که وثیقه مخصوصی ندارند) اضافه

شود در صورتی که تاریخ طلب آنها بعد از استقراض از بانك باشد

پیشنهاد آقای محمود رضا

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ قسمت دال حذف شود

پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منبع ریاست معظم دامت عظمته

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ در قسمت الف بعد از

کلمه نیردازد اضافه شود در صورتیکه محصول ملك وثیقه

شده دچار آفت نشده باشد الی آخر

پیشنهاد آقای فهیمی

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۱ قسمت دال بطریق ذیل

نوشته شود

قبول اینکه هر گاه قیمت ملك موضوع وثیقه در طی مدت

استقراض ضعف مبلغ استقراض تنزل شود بانك حق خواهد

داشت تفاوت را نقداً از استقراض کننده مطالبه و دریافت

کند و یا اینکه وثیقه دیگری از سایر املاک مشارالیه تقاضا

نماید و هر گاه الا آخر ماده

پیشنهاد آقای آسید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده بازده بین الهالین حذف شود

و کلمه غیر قابل اعتراض در آخر صفحه حذف شود و نوشته

شود که قرض کننده حق تعیین يك نفر مقوم دارد در صورت

اختلاف مقومین رجوع بماده ۱۲ میشود در جزو ۵

از قرار صدی دوازده تبدیل به صدی شش شود.

پیشنهاد آقای شریعت زاده -

مقام منبع ریاست

پیشنهاد میکنم در اول شق (ج) بعد از کلمه مخارج جمله

و خسارات اضافه شود.

رئیس - ماده دوازدهم قرائت میشود:

آقا سید یعقوب - ختم جلسه ظهر است.

رئیس - زود است يك قدری

(ماده دوازدهم بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۲ - هر گاه استقراض کننده مدعی شود که

مشمول فقره (ه) از ماده قبل نبوده و وجه استقراض

را برای انجام منظوری که در ضمن قرار داد اعلام

کرده بمصرف رسانده و بامدعی باشد که تخلف او بعلمت

فرس مآزر بوده است موضوع اختلاف بحکمیت ارجاع

میشود حکم مدیون بایستی در ظرف هشت روز از

تاریخ مراسله سفارشی مذکور در فقره (ه) ماده فوق

تعیین شود و در این صورت بانك نیز حکم خود را در

ظرف هشت روز از تاریخ معرفی حکم مدیون معین

خواهد کرد.

حکما باید در ظرف در ماه رأی خود را اعلام نمایند

مدت حکمیت ممکن است بنظر حکما يك دفعه تمدید

آید. مدت تمدید بیش از دو ماه نباید باشد چنانچه

حکما در ظرف مدت حکمیت توافق نظر راجع به

موضوع حکمیت پیدا نکردند باید حکم ثالثی انتخاب

نمایند که رأی او قاطع اختلاف خواهد بود

در صورتیکه در انتخاب حکم ثالث بین حکمین توافق حاصل

نشود حکم مزبور از بین پنج نفری که در ابتدای تشکیل

جلسه حکمیت (سه نفر از طرف حکم بانك و دو نفر

از طرف حکم استقراض کننده تعیین شده اند) بوسیله

قرعه انتخاب خواهد شد. حکم ثالث باید در ظرف يك

ماه تصمیم خود را اعلام نماید.

مخرج حکمیت بعهده استقراض کننده خواهد بود مگر در صورتیکه تصمیم دیگری از طرف حکمیت ها در این خصوص اتخاذ شود. در صورتیکه بانک محکوم شود طرف حق ادعای خسارت وارده بر خود را از بانک خواهد داشت.

تعیین میزان خسارت بسته بنظر هیئت حکمیت است. حق دعوی خسارت یک ماه پس از ابلاغ رأی حکمیت در سن دعوی ناقص خواهد شد.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده است بین ماده دو نظر دارم که عرض میکنم آقای وزیر اقتصاد توجه فرمائید از این ماده بین جوی مفهوم میشود که تشخیص بانک راجع ببنکه خوفناکند از طرف استقراض کننده تلف است استقراض کننده اگر مدعی خلاف تشخیص بانک شود باید اعتراض کند البته در عمل عمیقطور میشود ولی هیچ دلیلی ندارد که در مقابل یک قرض گذشته بگرویم هر چند از طرف بانک اعلام میشود محمول به سحت است ممکن است کسی بگوید پس چرا این بود که بعبر شود اختلاف یعنی بانک قبول میگردد و طرف این طور این اختلاف است و اینها بگوید آنچه که بانک می گوید صحیح است و طرف باید بخرد و ثابت کند پس این جمله اگر بعد اختلاف شود درست است. این بانک نظر است. نظر دیگرین است که در قسمت اخیر این ماده نوشته شده است (اسد نفر از طرف بانک و دو نفر از طرف حکمیت استقراض کننده تعیین شده اند) حال قرض کننده دو نفر و حکمیت بانک سه نفر است. البته اگر از این نقطه نظر باشد که دولت بگوید که ما یک اصولی داریم و برطبق این اصول هر کسی که میخواهد استقراض کند باید اینطور باشد. شاید از این حیث چندان اشکالی وارد نباشد زیرا هر کسی میل دارد در مقابل این نظریات تسلیم میشود و قرض میکند. اما بنده خیال میکنم تنها این نظر باشد. و خیال میکنم مقاصد عالیه دولت راجع به توسعه آن قسمت از زراعت مفیده مقتضی این است که در

این قبیل امور رعایات انصاف بشود برای اینکه دو طرف هستند. و راجع بحکم مشترک که اختلاف میشود هر گداه سه نفر باید تعیین کنند و از بین این شش نفر یک نفر بقرعه معین میشود. و هیچ دلیلی بنظر نمیرسد که در اینجا یک جهت وجهتی برای بانک باشد این است که مطالب را بنده عرض کرده که آقای وزیر اقتصاد ملی توجه فرمائید.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - قسمت اول چیزهاییکه فرمودند بنده درست تلفظ نشده میفرمائید بانک صبر کنند اگر به بانک اطلاع رسید که فلان شخصی که قرض کرده بود برای اینکه سد فلان چار را ببنده و آن سد بسته نشده است بنابراین آن شخص تخلف کرده بانک برود اول از آن آده سؤال کند و بگوید که من این عقیده را دارم آیا شد در این باب محتاجیم این که معمول نیست. بانک میگوید که تخلف کرده. بوجب مواد این قانون بود اجازه داده شده محض اینکه او گفت پس هست که آن آده منصف و عاقل است و خودش هم عیباند تخلف کرده و فایده ندارد که ستار شود و محاکمات نمی کنند. اما اگر فرضاً از روی عقیده یا غیر عقیده به تصور اینکه می تواند اشباه کاری کند و در حکمیت می تواند پیش برد میاید و به بانک میگوید که ما اشباه کرده ایم و من تخلف نکرده ام. بر فرض که این حرف را زد بانک مجبور میشود به حکمیت رجوع بکند. اینکه میفرمائید نوشته شود در صورت اختلاف البته همین اختلاف است. آن شکل هم که بنویسیم نتیجه همین طور است. اختلاف در صورتی است که طرف قبول نداشته باشد حرف بانک را. اما در قسمت دوم این را بنده چندان اهمیت میدهم فلسفه و مناط آنست که بنده مکرر عرض کرده ام و بعقیده بنده یعنی عقیده تنظیم کنندگان این لایحه اینست که رعایت بانک را پیش از رعایت مردم باید کرد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده هم عقیده ام اینست که نباید یک طرف را در نظر گرفت البته باید رعایت بانک را

این است که این بانک جهت توسعه امر فلاح و این ترتیبات است و اسباب اشکال تراشی فلاح و مرده نباید بشود غرض این است هر چیزی که به نفع مملکت است توضیح بدهند که ضمن ماده معین شود

وزیر اقتصاد ملی - عرض میکنم اگر قدری تحمل و دقت بفرمائید تصدیق خواهند فرمود بهتر این است که این ارفاقی که میفرمائید بشود آن کسی که میخواهد یک کاری را بکند خوب است قبلاً مطالعه و تحقیقاتش را در آن کار بنماید و قبلاً از اینکه استقراض کند به بیند که در فلان زمین بسته بهتر عمل میاید یا نه و مثل اینکه غالباً ما میکنند نشده. مردمانی هستند که بیرویه کار میکنند اول بیرویه پول قرض میکنند بعد مشغول امتحان میشوند و پول بی مصرف در آنجا میماند. این بالاخره نتیجه اش چه میشود؟ اگر این ترتیبی را که میفرمائید ما قبول کنیم بعیند آخری این است که اختیار بدیم به قرض کننده که پول را بصرفی که خودش میخواهد برساند منتهی در امر فلاح باشد در صورتیکه نظر ما این نیست مثلاً امروز پول برای بنیه کاری قرض میکند فردا می رود بیج میکارند در صورتیکه ما مخصوصاً میخواهیم بیج نکاریم. وقتی که میگوئیم چرا این کار را کردی میگوئید مصلحت این نقطه در این است که من بیج بکاره آنوقت ما نمیتوانیم به حرف بزنیم. پس بهتر این است که آن آدم عقیدت تر باشد و قبلاً آن آده تماشا را کرده باشد و از روی بصیرت وقتی که میخواهد پول قرض کند بداند که برای آن منظور است و مقتضی نیست که اختیار بدست آنها باشد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود

پیشنهاد آقای محمود رضا:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ جمله سه نفر از طرف حاکم بانک حذف و بجای آن نوشته شود مطابق قانون حکمیت طرفین رفتار نمایند

دارد دیگر موجبی ندارد که بانک باو قرض ندهد. و اگر بانک جواب منفی باو داد از نقطه نظر مراجع به بانک شاید همین طور است ولی بنده معتقدم کسی که تقاضای قرضه میکند باید حق داشته باشد که به وزارت اقتصاد ملی مراجعه کند و بگوید بموجب این دلایل تمام موجبات برایم فراهم است. و اگر دولت دیدصحيح ميگويد بايد با او موافقت نمود در هر صورت این قطعیت بنظر بنده با مقاصد و نیات خود دولت موافق نیست اگر يك مؤسسه تجارتي بود مانع نداشت و کسی حق نداشت که چیزی بگوید اما بنده باقتضای نظری که دولت در این باب دارد پیشنهاد میکنم که آقا با این نظر موافقت فرمایند.

وزیر اقتصاد ملی - فقط بنده تذکر میدهم به آقای محترم که در این صورت تمام اوقات وزارت اقتصاد ملی مصروف خواهد شد بر رسیدگی اختلافات بین بانک و استقراض کننده یکی دیگر خوب است توجه فرمایند آقا که چرا این قدر عقیده دارند که بانک در این جا از روی هوای نفس کار میکند. من لایک کسی را می بینم از کلاه او خوشش میاید باو پول قرض میدهد و از يك نفر دیگر که خوشش نمیاید باو قرض نمیدهد بانک مؤسسه ایست که میخواهد کار بکند، اعتبار داشته باشد، چه داشته باشد. بنده تصور میکنم اگر تکرانی باشد باید بیشتر از آن طرف باشد که بقدر کفایت بانک احتیاطات لازمه را نکند. و الا گمان نمیکنم این قدر تشویش داشته باشد که بانک بی جهت مردم سختگیری بکند و فرض شود که پولش را می خواهد بخواهند و بکسی قرض ندهد - این طور است از آن طرف هم ملاحظه این را فرمائید که لازم نیست بانک علت را بگوید. مصلحت نیست که بانک بگوید. همان طور که فرمودید يك آدمی هست که ملك دارد اعتبار هم دارد همه چیز دارد اما قمار باز است. حالا شما متوقع هستید که بانک اعلان کند که چون فلانکس قمار

پیشنهاد دیگر آقای محمود رضا:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ جمله مخارج حکمیت بمعهد استقراض کننده خواهد بود حذف شود

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب:

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ نوشته شده است: طرف حق ادعای خسارت وارده الخ باین عبارت تبدیل شود: بانک از عهده خسارت باید بر آید و عوض عبارت مخارج حکمیت نوشته شود مخارج حکمیت بمعهد طرفین است.

پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منیع ریاست معظم دامت عظمة: پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ بعد از کلمه فرس مارژ اضافه شود و یا عاقل و عذر موجهی بوده الی آخر

پیشنهاد دیگر آقای دهستانی

مقام منیع ریاست معظم دامت عظمة پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ عده حکم بانک و حکم استقراض کننده هر يك سه نفر باشند

رئیس - ماده ۱۳ قرائت میشود:

ماده ۱۳ - موافقت یا عدم موافقت با تقاضای قرض باختیار بانک است و در صورت رد تقاضای استقراض بانک مکلف باقائه هیچ دلیلی نخواهد بود

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده اینجا يك نظری دارم و آن این است که کسی که از قرض قرض میخواهند اختیار دارد که بگوید من موافقت نمیکنم لکن این مورد يك موردی نیست که آنطور باشد دولت در نظر دارد در این قبیل معاملات وسائل توسعه زراعت هائی که تقویت از بنیه اقتصادی مملکت میکند فراهم نماید بنا بر این اگر شخص قرض کننده فرضا تمام شرائطی که موجبات قرض دادن در آن موجود باشد داشته باشد با آن نظری که وزارت اقتصاد در توسعه زراعت

باز است من نمی خواهم باو پول قرض بدهم (خنده نمایندگان)

رئیس - ماده چهاردهم قرائت میشود:

ماده ۱۴ - شعبه بانک فلاحی مجاز است برای سد بستن های مفیده و ایجاد آب و همچنین برای توسعه محصولات مذکور در ماده (۴) و ایجاد صنایع مفیده فلاحی شرکت های سهامی تشکیل داده تمام یا قسمتی از سرمایه آنرا بپردازد و اقدامات مذکوره در این ماده مشروط به تصویب قبلی وزارت اقتصاد ملی است.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - البته این موضوع خوب است که بانک این قبیل مؤسسات مفیده را باز کند ولی شرکت سهامی به معنای این است که در نتیجه اجراع پنج نفر شریک موجود شود. بنا بر این اگر پنج نفر موجود شدند هر کدام يك قسمت از سرمایه را خواهند داد. اگر نظر این است که خود بانک فلاحی يك مؤسسه باز کند و سرمایه بدهد و اسمش را بگذارد شرکت سهامی که نخواهد کرد. پس قبلاً باید يك تعاضی بشود بین يك عده بنام مؤسس و آنها هر کدام هر يك مقداری را بنام سرمایه قبول کنند و بعنوان شرکت سهامی يك شرکتی تاسیس بکنند بنابراین نمیشود در این ماده نوشت که بانک فلاحی میتواند تمام سرمایه يك شرکت سهامی را بپردازد. زیرا شرکت سهامی وقتی موجود میشود که سرمایه بدهند و بالاخره مطابق قانون وجود قانونی پیدا کند. بنده این را برای استحضار خاطر آقای وزیر اقتصاد عرض کردم.

کتیل وزارت اقتصاد ملی - بنده يك مثل میزنم تا مطلب درست توضیح شود. فرض فرمائید امروز بانک فلاحی می بینید برای دائر کردن فلان مؤسسه برای ترقی ابریشم پانصد هزار تومان لازم است و کسی هم نیست که بیاید و پانصد هزار تومان سرمایه صرف این کار بکند آنوقت بانک فلاحی با موافقت وزارت اقتصاد ملی در صدد بر میآید که این اقدام مفید بشود و اقدام میکند بشرکت صد هزار تومان و میگوید ما میخواهیم شرکت برای

این کار درست کنیم برای این کار فرض کنیم کسی حاضر نشد برای دادن سرمایه (این يك احتمالی است که داده میشود) بانک هم پول دارد میتواند این شرکت را تشکیل بدهد. تشکیل میدهد مطابق قوانین شرکت سهامی بیست تومان و سی تومان قرض میکند (صد هزار سهم یا فلان قدر) و این شرکت مثل تمام شرکتهای دنیا کار میکند اما این شرکت همیشه در دسترس مرده است بطوری که هر کس بخواند میتواند بیاید و از سهام شرکت بخرد وقتی که از سهام شرکت خریدند آن ضمیمه میشود بر سرمایه بانک که می تواند بکار های دیگر بزند این يك مثالی بود برای اینکه استیحاخ و استعجاب نفرمائید که اگر تمام سرمایه را بانک بدهد آنوقت بر حسب قاعده و بقول فرانکیها شوربکمان شرکت است اما حقیقتاً در عمل شرکت نیست خود بانک میتواند عمل کند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده پانزدهم قرائت میشود

ماده ۱۵ - بیلان سالیانه شعبه بانک فلاحی باید همه ساله تهیه و منتشر شود

جمعی از نمایندگان - مخالفي نیست

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی قرائت میشود

پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منیع ریاست معظم دامت عظمة پیشنهاد میکنم در ماده ۱۵ عوض کلمه بیلان نوشته شود (حساب)

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب:

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۵ عوض کلمه بیلان نوشته شود صورت حساب الخ

رئیس - (خطاب به آقای فیروز آبادی) پیشنهاد آقای راجع بماده ۱۴ است. ماده شانزدهم:

ماده ۱۶ - این قانون ده روز پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای فهیمی:

ماده الحاقیه ذیل را بقانون بانك فلاحی پدشهاد می‌نمایم:
ماده الحاقیه - در موارد ذیل کلیه وجه استقراضی
دفعه ۱ - در صورت فوت استقراض کنندنده

ب - در صورت فروش یا هبه یا تقسیم یا هر گونه
معامله و انتقال جزئی یا کلی در ملك مرهونه و همچنین
در صورت وارد آوردن تغییرات اساسی در وضعیات ملك
ج - در صورتیکه معلوم شود که اطلاعات مربوطه
بملك مزبور مرهونه حقیقت ندارد
د - در صورتیکه مالك در نگاهداری و مواظبت ملك
مرهونه غفلت نماید

رئیس - رأی می‌گیریم برورود در شور دوم موافقین
قیم فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد

جمعی از نمایندگان - ختم جلسه
[۹ - بیانات آقای رئیس - اقتراح برای شرفیابی]
رئیس - بنده عرضی دارم. خاطر آقایان آنگاه است
که يك ربع قرن از مشروطیت ایران میگذرد و يك نه
شاهنشاهی که بنام معنی مشروطیت را حمایت کرد و

بدون تکلف احترام و تقویت نمود و در ترقی و
تعالی مملکت کوشش کرد و آرزوهای ملت ایران را
عملي فرموده و مقاصد دیرین مشروطه خواهان را بموقع
اجرا گذاشتند اعلیحضرت شاهنشاه بهلوی است (نمایندگان
صحیح است) اگر آقایان اجازه میفرمایند ماهیئتی را
مبعوث کنیم برای تقدیم تبریک (صحیح است) و
بالخصوص حق شناسی از این حمایت بی حسابی که نسبت
بمشروطیت و آزادی فرمودند (صحیح است)
(اقتراح بعمل آمده آقایان ذیل معین شدند)

آقایان: مرتضی قلیخان بیگ - ملك آرائی - فوام -
دکتر سنک - طهرانی - طباطبائی و کبکی حسنعلیمیرزا
دولتشاهی - مرآت اسفندیاری - محمد ضیائی - ظفری -
آقا میرزا هاشم آشتیانی - دکتر عظیمی

[۱۰ - موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - جلسه آینده یکشنبه ۱۹ مرداد ماه چهار
ساعت قبل از ظهر دستور لایحه تلفن و سایر لوایح
موجوده
(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع بتعرفه و نرخ محمولات پستی هوائی

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت پست و تلگراف اجازه میدهد از تاریخ ۲۰ اردی بهشت
۱۳۰۹ تا زمان تغییر تعرفه پست هوائی قانون سوم اردی بهشت ۱۳۰۸ ادامه داده شده و از روز اجرای
تعرفه جدید تا زمان انقضای قانون بیستم بهمن ۱۳۰۹ سرویس های حالیه را که عبارت از هفته يك پست درخط
طهران - مشهد و دو پست در خط تهران - بوشهر و دو پست در خط تهران - قصر و يك پست در خط تهران - بهلوی است
بموسط مؤسسه یونیکرس بر قرار داشته کلیه عایدات فروش تمبر هوائی و حقوق واصله از ممالك خارجه را عاید
خزانه نموده کرایه محمولات پستی را از قرار هر کیلو گرام در هر یکصد کیلومتر پنجقران بمؤسسه مزبور بپردازد.
این قانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه دوازدهم امرداد یکهزار و سیصد و نه شمس بتصویب مجلس
شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع بو وظیفه وراثت مستخدمین نظمیه که در نتیجه ایفای وظیفه تلف شوند

ماده واحده - از تاریخ اجرای قانون استخدام کشوری کبیده مستخدمین نظمیه اعم از صاحب منصب و مأمورین
با رتبه افراد و ردیف افراد (خواه مشمول قانون استخدام کشوری باشند خواه نباشند) که در نتیجه ایفای وظیفه
تلف شده اند یا خواهند شد دو نك بلاکسر آخرین مقرری خدمت آنها بدون رعایت سن و مدت خدمت درباره و ورثه
قانونی آنها که در ماده ۳ قانون وظایف مورخ ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۶ تصریح شده و بعلاوه درباره برادر و خواهری
که در کفالت آنها بودند بعنوان وظیفه بطور تساری برقرار و از زمان فوت بآنها پرداخته خواهد شد.
این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه دوازدهم امرداد ماه یکهزار و سیصد و نه شمس بتصویب
مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

تمدید کنترات دو نفر معلم فرانسوی مدرسه حقوق برای مدت سه سال

ماده اول - وزارت معارف مجاز است استخدام دو نفر معلم فرانسوی مدرسه حقوق را که بموجب قانون
۱۶ شهریور ۱۳۰۶ بتصویب رسیده از آخر خرداد ۱۳۰۹ برای مدت سه سال تمدید نماید
ماده دوم - حقوق هر يك از معلمین مزبور در سال پنجهزار و چهار صد تومان است
ماده سوم - وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدام معلمین مزبور را مطابق قانون استخدام اتباع
خارجه مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و قرار داد آنها را امضا نماید
این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه دوازدهم امرداد ماه یکهزار و سیصد و نه شمس بتصویب
مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر